

انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه

سید مرتضی هزاوه‌ای^۱

چکیده

ارتباط انقلاب اسلامی ایران با پدیده بیداری اسلامی و موضوع اسلام سیاسی و همچنین تأثیر انقلاب اسلامی بر این مقوله، از مباحثی است که توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. از طرفی تحولات اخیر موسوم به «بیداری اسلامی» از مباحثی است که سئوالات فراوانی را پیش روی پژوهشگران قرار داده و فهم آینده مسائل مرتبط با این حوزه، از اهمیت فراوانی برخوردار است. بر این اساس سؤال مقاله حاضر این است که جنبش‌های اخیر مشهور به «بیداری اسلامی»، چه تأثیری بر آینده «اسلام سیاسی» در منطقه خواهد گذاشت و در این میان جایگاه و نقش انقلاب اسلامی ایران به چه صورت خواهد بود.

نگارنده در تلاش است تا با کاربرست روش گفتمان و از رهگذر نقد و بررسی چند فرضیه محتمل و مطرح در این زمینه، پاسخی مطلوب برای سؤال مذکور بیابد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تحولات اخیر موسوم به «بیداری اسلامی» بستر مناسبی برای تقویت اسلام سیاسی در منطقه را فراهم خواهد نمود.

کلید واژه‌ها: بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی، آینده

مقدمه

تحولات سالهای اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و مباحث پیرامون آن از محورهای مهم پژوهش در حوزه علوم سیاسی، روابط بین الملل و حتی علوم اجتماعی قرار گرفته است. پژوهشگران فراوانی با رهیافت‌های گوناگون، متفاوت و بعضاً متعارض به این مقوله پرداخته‌اند. بخشی از این پژوهش‌ها به مطالعه تکوینی^۱ و بررسی ریشه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این تحولات توجه نموده‌اند و برخی دیگر به مطالعه رخداد^۲ از جهت نحوه وقوع به لحاظ زمانی و در کشورهای مختلف اختصاص یافته است و بخش قابل توجهی نیز، این موضوع را با رهیافت آینده پژوهی^۳ بررسی نموده‌اند.

از سوی دیگر پیامد این تحولات، پیروزی اسلام‌گرایان و در یک نگاه حداقلی افزایش وزن سیاسی آنان، بوده است، و شاید این امر باعث گردیده تا عنوان بیداری اسلامی به این تحولات اطلاق گردد.

به نظر می‌رسد در پرتو مطالعات تکوینی، مطالعه رخداد و آسیب شناسانه، در مورد این تحولات، آینده اسلام سیاسی که پیش و بیش از هر چیز تحت تأثیر این تحولات در حال رشد است و (بدون تردید از گفتمان انقلاب اسلامی متأثر بوده است)، می‌تواند مهمترین محور آینده‌پژوهی در ارتباط با این کشورها و تحولات آن باشد. از این رو پیش بینی اینکه روند تحولات آینده در این کشورها، وضعیت اسلام سیاسی و نظام سازی بر اساس آن چگونه خواهد بود، می‌تواند تأثیر دو سویه‌ای بر تحولات منطقه و گفتمان انقلاب اسلامی داشته باشد و سناریوهای مختلفی را می‌توان برای آینده مطرح و تبیین‌های متفاوتی از آن ارائه کرد.

سؤال اصلی مقاله این است که جنبش‌های اخیر مشهور به بیداری اسلامی چه تأثیری بر آینده اسلام سیاسی در منطقه خواهد گذاشت و نقش گفتمان انقلاب اسلامی بر این موضوع چگونه و به چه صورت خواهد بود؟

-
- 1-Gentic study
 - 2- Process study
 - 3-Feuture study

نویسنده در بررسی خود پیرامون پاسخ این سؤال از روش تحلیل گفتمانی به عنوان یکی از روش‌های تحقیق در علوم سیاسی بهره برده است. نویسنده در این مقاله به منظور ارائه تحلیلی واقع‌بینانه از این تحولات و تأثیر آن بر احیاء و رشد اسلام سیاسی در منطقه به تقسیم بندی گفتمان اصلی بیداری اسلامی به سه خرده گفتمان اصلاحی، انقلابی و جهاد و مشارکت پرداخته و سپس بر اساس ویژگی‌ها و مختصات هر یک از این خرده گفتمانها به لحاظ تاریخی و اجتماعی به مفصل‌بندی آنها در شکل‌گیری گفتمان بیداری اسلامی و ارتباط ارگانیک آن با انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تحولات اخیر موسوم به بیداری اسلامی تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بستر مناسبی برای رشد و تقویت اسلام سیاسی در منطقه فراهم خواهد نمود.

۱. چارچوب نظری: تحلیل گفتمانی به مثابه نظریه و روش

۱-۱- گفتمان به مثابه نظریه

نظریه گفتمان اساساً در زبان‌شناسی متولد شد و تاکنون مراحل مختلفی را طی نموده است. اگر چه زبان‌شناسی مدت‌ها از تحلیل گفتمان غافل مانده بود اما در سال ۱۹۵۲ زلیگ هریس، زبان‌شناس ساختار گرای آمریکایی، بررسی واحدهای بزرگتر از «جمله» را کانون توجه قرار داد. (خواجه سروی، ۱۳۹۱: ۳۵) و آن را تحلیل گفتمانی نامید. در تحلیل گفتمان ساختار گرا، گفتمان به مثابه زبان بزرگتر از جمله تعریف می‌شود. با گسترش نقش گرای در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، مفهوم بافت نیز وارد تحلیل گفتمان گردید و این نوع از تحلیل گفتمان را می‌توان تحلیل گفتمان نقش‌گرا نامید و منظور از بافت، همان شرایط زمانی و مکانی محدودی است که زبان در آن به کار می‌رود. بعدها در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی با رشد قابل ملاحظه زبان‌شناسی انتقادی، قدرت و ایدئولوژی وارد جریان تحلیل گفتمان گردید و به دنبال تحلیل گفتمان انتقادی توسط افرادی چون ون دایک، وداک و فر کلاف به وجود آمد. گرچه تحلیل گفتمان انتقادی با سه رویکرد عمده مطرح گردید اما محور همه آنها نقد محدودیت‌ها و چالش‌های گفتمان نقش‌گرا می‌باشد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۴)

نوع دیگری از تحلیل گفتمان در ارتباط با فلسفه سیاسی توسط میشل فوکو در دهه ۶۰ پایه‌گذاری شده است که بر اساس آن گفتمان نه تنها بزرگتر از زبان است بلکه کل حوزه اجتماع را در بر می‌گیرد و نظام‌های حقیقت را بر سوژه‌ها یا فاعلان اجتماعی تحمیل می‌کند. مفهوم کلیدی در اندیشه فوکو «حکم» است که از مجموعه چندین حکم یک صورت‌بندی گفتمانی به وجود می‌آید. وی گفتمان را اینگونه معنا می‌کند «مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت بندی گفتمان مشترکی باشند گفتمان می‌نامم.» (Foucault, 1962: 117) مثلاً گفتمان انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از گزاره‌ها و احکامی مانند «اسلام، دارای بعد سیاسی است»، «حکومت، فلسفه عملی فقه است» و «سیاست ما عین دیانت ماست» و ... می‌باشد. نظریه گفتمان توسط آرنستو لاکلاوشنتال موف در حقیقت با بسط همین نظریه فوکو در حوزه سیاسی - اجتماعی شکل گرفت و آنها با کاربست نظریات افرادی چون دریدا، سوسور، بارت، لاکلان، گرامشی و آلتوسر سرانجام به این نظریه کمک مؤثر نمودند و اینک تحلیل گفتمانی عمدتاً با نام این دو شناخته می‌شود. (E, laclau and Mouffe, 1985 :180).

لاکلاوموف با طرح مباحثی هم چون دال‌های شناور (نشانه) قابلیت اعتبار، دال مرکزی، زنجیره هم‌ارزی و تفاوت معتقدند «امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند و هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۴)

گرچه انتقاداتی بر نظریه گفتمان لاکلاوموف وارد شده است اما با توجه به ویژگی‌های خاص، این نظریه، همچنان به عنوان یک نظریه مهم پسا ساختار گرایانه در حوزه علوم انسانی مطرح است که مطابق آن کل حوزه اجتماع به مثابه نظامی تصور می‌شود که در آن معنا تولید و باز تولید می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

۲-۱- تحلیل گفتمان به مثابه روش

کاربرد نظریه گفتمان به عنوان روشی برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی امری بدیع محسوب می‌شود و به چارچوب نظری یک تحقیق برای رسیدن به هدف پژوهش کمک

می‌کند. از این رو لازم است قدری به ظرفیت نظریه گفتمان به مثابه روش تحلیل سیاسی پردازییم. در کاربردی روش تحلیل گفتمانی چند مرحله اساسی وجود دارد که عبارتند از:

یک: شناسایی فضای تخصصی: به این معنی که اقتضای کاربرد روش تحلیل گفتمانی در چارچوب نظری آن، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است. گفتمانها همواره به واسطه «غیر» یا «دشمن» هویت یافته و معنا پیدا می‌کنند. خصومت و غیریت در نظریه گفتمان به این معنی است که هر گفتمان در سایه دیگری یا غیر، شکل می‌گیرد و تحت تأثیر آن متحول می‌شود و احیاناً به زوال می‌رود و تکامل یا گسترش می‌یابند. حضور همیشگی خصم، گفتمانها را برای بقاء به بازسازی‌های مداوم تئوریک وادار می‌کند و گفتمانی که توان بازسازی خود را نداشته باشد در میدان منازعه‌های گفتمانی، عرصه را به رقیبان وامی‌گذارد (نوذری، ۱۳۸۰: ۳۵)

دو: تعیین زمان و مکان: همزمان با شناسایی گفتمانهای متخاصم باید مقطع زمانی و موقعیت مکانی گفتمانهای مورد نظر را نیز باید تعیین کرد. به عنوان مثال کاربرد تحلیل گفتمان اسلام سیاسی در افغانستان و عراق و نیز در مصر قبل از حسنی مبارک و پس از آن کاملاً با هم متفاوت اند و تفاوت‌های مهم در نظام معنایی این گفتمان تحت تأثیر زمان و مکان یاد شده در مثال، کاملاً تعیین کننده خواهد بود.

سه: تحولات اجتماعی در سایه منازعات معنایی: بر اساس این اصل و مبتنی بر نظریه گفتمان، تحولات اجتماعی حاصل منازعات معنایی گفتمان هاست. در کاربرد تحلیل گفتمان به مثابه روش، روایت صرف رخداد‌های تاریخی هدف تحلیل گر نیست بلکه به دنبال بررسی این رویدادها در سایه تحولات معنایی است. در حقیقت تحولات اجتماعی نتیجه کاربردی سازوکارهای معنایی در یک رقابت گفتمانی بر سر تصاحب افکار عمومی است از این رو باید توجه داشت که عمل اجتماعی با معنا گره خورده است و بدون درک نظام معنایی حاکم بر تحولات اجتماعی نمی‌توان رویدادهای اجتماعی را تحلیل نمود.

چهار: معنا و متن در تحلیل گفتمان: همچنانکه آورده شد کاربردی نظریه گفتمان به مثابه روش تحلیل و تحولات اجتماعی نیازمند درک نظام معنایی است اما تحلیل معنا بدون متن امکان‌پذیر نیست. لذا تحلیل معنا بدون تحلیل متن مسیر لغزنده‌ای است که باعث افزایش

ضریب خطای تحلیل گر می شود بنا بر مراجعه به متون مطبوعاتی، کتابها و سخنرانی ها و بیانیه ها ضروری است. توجه به متن و تحلیل آن در گفتمان، ریشه در دیدگاه های مایکل هالییدی دارد وی در کتاب خود بر این نظر است که زبان سه فرانشس عمده دارد که عبارتند از: «فرا نقش اندیشگانی»، «فرا نقش بینافردی» و «فرانشس متنی». وی توضیح می دهد که نویسندگان با استفاده از فرانشس اول محتوا را بیان می کند و به تجربیاتش از جهان واقعی تجسم می بخشد و با کاربرد فرانشس دوم از زبان به مثابه ابزاری برای ورود خویش به رویداد گفتاری بهره می جوید و در نهایت با کاربست فرانشس سوم به خلق متن می پردازد و میان خود و شرایط رابطه برقرار می کند. و بدینسان گفتمان ممکن می شود. (Halliday, 1971: 332-4)

پنج: متن و معنا و کردارهای اجتماعی: کردارهای اجتماعی را می توان از جهت بکارگیری زبان یا عدم آن به دو دسته تقسیم کرد کردارهای گفتمانی زبانی و کردارهای گفتاری غیر زبانی. تولید گفتار و نوشتار به هر شکل همانند سخنرانی، مقاله، متون مطبوعاتی، برنامه های صوتی و تصویری، مصاحبه، وبلاگ، دل نوشته و ... جزء کردارهای گفتمانی زبانی به شمار می روند و کردارهایی چون تحریم ها، حمایت های مالی، رأی دادن یا رأی ندادن، حبس، توقیف، جنبش های خیابانی و ضرب و جرح و ... جزء اعمال گفتمانی غیرزبانی هستند و جالب آنکه هر دو نوع کردارهای اجتماعی در یک ویژگی مشترک اند و آن این است که هر دو در پی «برجسته سازی خود» و به «حاشیه راندن غیرخود» هستند.

در پایان این مختصر توضیح پیرامون گفتمان به مثابه نظریه و گفتمان به مثابه تحلیل خاطر نشان می شود که در این مقاله گفتمان به لحاظ چارچوب نظری و نیز به عنوان روش تحلیل و تحولات منطقه و تأثیر آن در اسلام سیاسی در آینده منطقه مورد استفاده قرار می گیرد به این معنا که بر اساس ویژگی های نظریه لاکلاوموف در نظریه گفتمان این نظریه می تواند چارچوب نظری خوبی برای تبیین و توصیف تحولات منطقه خاورمیانه (بیداری اسلامی) باشد زیرا دال مرکزی این نظریه در این تحولات، اسلام است که در درون خرده گفتمانهای سه گانه اصلاح، انقلاب و جهاد مشارکت در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در حال برجسته سازی خویش و به حاشیه راندن و تضعیف گفتمانهای دیگر همچون ملی گرایی و سلطانیسم است. و

کارکرد اجتماعی زبانی و غیر زبانی گفتمان بیداری اسلامی با تأکید بر نقش رهبران باعث شده است که علی رغم نقاط ضعف نظریه گفتمان و تحلیل گفتمانی این چارچوب و روش را برای تبیین و توصیف موضوع مقاله یعنی بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه بر گزینیم.

۳-۱- مدل تحلیلی تحولات منطقه و گفتمان اسلام سیاسی مبتنی بر نظریه و روش گفتمان:

با توجه به ویژگی های نظریه و روش تحلیل گفتمان به نظر می رسد مدل تحلیل تحولات منطقه (بیداری اسلامی) و آینده اسلام سیاسی بر مشخصه های زیر استوار است: یک. قابلیت اعتبار: بدین معنی که میان اصول اساسی جوامع منطقه با اصول گفتمان سیاسی در کشورهای مورد بحث ناسازگاری مشاهده نمی شود. دو. مفهوم غیریت و تخصص: که با توجه به تقابل تاریخی اسلام با الگوهای لیبرالیستی در منطقه به بروز و ظهور گفتمان اسلام سیاسی امکان بخشیده است. سه. دال مرکزی: که مجموعه ای از تحولات اجتماعی منطقه را در راستای گفتمان اسلام سیاسی محدودیت می بخشد، همان اسلام عدالت گستر و سلطه ستیز و ضد استبداد است. چهار. نقش رهبران: که در زنجیره هم ارزی در گفتمان اسلام سیاسی وجود دارد بسیار مهم است (خواجه سروی، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵)

توضیح اینکه گفتمان اسلام سیاسی به عنوان گفتمان غالب در تحولات منطقه (بر گرفته از گفتمان انقلاب اسلامی ایران) محصول منازعات معنایی در درون گفتمانهای مختلف در این کشورهاست که در موقعیت های زمانی و مکانی مختلف و در فضاهای تخصص و غیریت سازی، از طریق ایجاد کردارهای اجتماعی زبانی و غیر زبانی مبتنی بر متون و معنای خود به برجسته سازی خویش و به حاشیه راندن سایر گفتمان ها می پردازد و در این مقاله تلاش می شود تا چارچوب نظریه و روش تحلیل گفتمان بر اساس مدل فوق به کار گرفته شوند.

۲. مفاهیم

همان گونه که در مقدمه بیان شد این پژوهش در صدد نسبت سنجی میان انقلاب اسلامی ایران، تحولات منطقه و اسلام سیاسی است. کشف و تبیین رابطه میان رشد اسلام سیاسی در

منطقه و بیداری اسلامی در این کشورها و تأثیر انقلاب اسلامی ایران در این مقوله مستلزم آن است که ابتدا و به طور اختصار به ارائه تعریف یا توصیفی از مفاهیم «اسلام سیاسی»، «بیداری اسلامی» و «انقلاب اسلامی» بپردازیم. و سپس تأثیر تحولات اخیر در کشورهای منطقه بر اسلام سیاسی و اثر بخشی انقلاب اسلامی ایران بر این معادله را مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲- اسلام سیاسی

در یک بررسی واژگانی در می یابیم که واژه «اسلام سیاسی» پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران در ادبیات سیاسی ایران و جهان وجود نداشته است و در واقع مولود سالهای پس از انقلاب اسلامی ایران و برگرفته از نقش اسلام و ایدئولوژی اسلامی در جریان شکل گیری، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران است. شاید علت عدم کاربرد و رواج واژه اسلام سیاسی در غرب آن باشد که در ادبیات سیاسی غربی ها، دین اساساً از سیاست جدا تلقی می شود و دین در چارچوب فکری آنان دارای نقش صرفاً فردی و نه قطعاً اجتماعی است این در حالی است که آن بعد از اسلام (سیاسی) که در دید آنان برداشتی بنیاد گرایانه از اسلام تحلیل می شود و بالتبع نقطه ضعف اسلام محسوب می شود مهم ترین بعد مثبت و نقطه قوت انقلاب اسلامی ایران محسوب می شود. که در واقع همین مفهوم از اسلام در اندیشه صدور انقلاب محور تحولات و جنبش های اخیر منطقه تلقی می گردد. کارکرد اجتماعی و سیاسی پیدا کردن دین در جریان انقلاب ایران در سالهای ۵۶ و ۵۷ عملاً اسلام را سیاسی و این اسلام سیاسی را با به پیروزی رساندن یک انقلاب عظیم مردمی در سالهای پایانی قرن بیستم به جهان معرفی کرد. (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۲۲) در این قسمت به چند تعریف یا توصیف از اسلام سیاسی اشاره می کنیم.

- اسلام سیاسی برای توصیف آن دسته از گروه های سیاسی اسلامی به کار می رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند بنابراین اسلام سیاسی را می توان گفتمانی به شمار آورد که گرد مفهوم مرکزی (دال مرکزی) حکومت اسلامی نظم یافته و بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید دارد و مدعی است اسلام نظریه ای جامع در باره دولت و سیاست دارد.... و هدف نهایی گفتمان اسلام سیاسی نیز بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و

... بدین ترتیب این گفتمان در تقابل (غیریت و تخصص) با همه گفتمان‌های مدرن و سنتی که اعتقادی به ادغام دین و سیاست ندارند قرار می‌گیرد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷)

- اسلام سیاسی فقط مبارزه با تجدد گرایی نیست (آن گونه که غربی‌ها تحلیل می‌کنند) بلکه واکنشی به بی‌عدالتی‌ها، زورگویی‌ها و نابرابری‌هایی است که در جوامع اسلامی وجود دارد و با فشارهای استعماری که آمریکائیان و اروپائیان بر آنها وارد کرده‌اند، اسلام یا حرکت‌های اسلامی در حال ایجاد جامعه اسلامی بر اساس عدالت اجتماعی و دموکراسی است (امیر احمدی، ۱۳۷۶: ۲۴-۲۵)

- اسلام سیاسی یعنی اطلاق استانداردهای سیاسی به ارزش‌های دینی، اسلام سیاسی یعنی تنها به فکر جهان آخرت نباشیم. در بین مسلمانان سیاسی، مردم خواستار استقلال، امنیت غذا و رفاه برای کودکان خود هستند و همان را می‌خواهند که غرب دارد (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۶: ۱۹)

- حرکت‌های اسلام گرایی از دهه ۶۰ به این طرف مستقیماً با هدف کسب قدرت سیاسی وارد سیاست شدند آنها اسلام را کلی و همه جا گیر می‌دانند و در سیاست نیز به این امر معتقدند. بنابراین از نگاه اسلام گرایان کافی نیست که جامعه از مسلمانان تشکیل شود، بلکه اسلام باید اساس و بنیاد آن باشد. (روا، ۱۳۷۸: ۴۲)

رضوان السیّد معتقد است گفتمان اسلام سیاسی یک تحول سه مرحله‌ای را پشت سر گذاشته است: مرحله نخست: دوران رواج اندیشه‌های نوسازی اسلام و مشارکت مجدد آن در تمدن دنیای معاصر. مرحله دوم: مرحله انتقادی و بنیان کن که در آن الگوی تمدنی-اسلامی ویژه‌ای ارائه گردید و مرحله سوم: که در وجه تمایز آن یعنی سیاسی شدن شدید اسلام و تبدیل شدن آن به ایدئولوژی برای رسیدن به قدرت تجلی می‌یابد. (السیّد، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۶)

در جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف درباره تعریف اسلام سیاسی می‌توان گفت اسلام سیاسی به معنای اسلام عدالت خواه، توسعه‌گرا، دنیاگرا، اقتداگرا، تمدن ساز، واقع گرا، زندگی، انقلاب و اصلاح، علم و عقل و پیشرفت و مبارزه با سلطه، نظام ساز و عمل گرا.

۲-۲- بیداری اسلامی

بیداری اسلامی نظریه ای است برای تحلیل و تبیین رخدادهایی که از دسامبر ۲۰۱۰ با خودسوزی محمد بو عزیزی در تونس آغاز و با سرنگونی حکومت‌های عربی تونس، مصر، لیبی و یمن ادامه یافت و اینک در جهان عرب علاوه بر آن کشورها در اردن، بحرین، شرق عربستان نیز در جریان است. بر اساس این نظریه عوامل متعددی در کشورهای منطقه وجود دارد که موجب چنین رخدادها و تحولاتی گردیده است و مهمترین آنها عبارتند از: ماهیت استبدادی حکومت‌های عربی، عدم تطبیق قوانین با احکام اسلامی، فاصله طبقاتی، فقر، وابستگی حکام و سردمداران حکومتی به بیگانگان، گسترش فساد و رانت خواری و گر چه آغاز رواج و کاربرد بیداری اسلامی متأخر است اما به نظر می رسد در واکاوی تاریخی، این مقوله از قدمتی حداقل ۱۵۰ ساله برخوردار است و حقیقت آن است که آنچه در تحولات اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رخ داده است، بخش جدید و نوظهور و البته نه پایانی آن محسوب می شود. شاید بهتر باشد به جای بیداری اسلامی از امواج بیداری اسلامی سخن گفت. و بدین سان تاریخ ۱۵۰ ساله کشورهای اسلامی-عربی شاهد سه مرحله از بیداری اسلامی بوده است:

یک: موج اول بیداری اسلامی (از مبارزات سید جمال الدین اسدآبادی تا نهضت امام خمینی(ره)).

دو: موج دوم بیداری اسلامی (از نهضت امام خمینی(ره) (انقلاب اسلامی ایران) تا بهار بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا).

سه: موج سوم بیداری اسلامی (از پیدایش تحولات اخیر منطقه تا کنون)

توضیح آنکه آنچه سید جمال الدین اسدآبادی مطرح کرد استراتژی و راهبرد مبارزه برای استقلال، توسعه و پیشرفت در جهان اسلام بود وی به اصولی برای تحقق این هدف بزرگ تأکید دارد که عبارتند از: مبارزه با استبداد و خود کامگی، بازگشت به اسلام اصیل و اولیه، لزوم مبارزه با استعمار خارجی، ضرورت اتحاد جهان اسلام، بازگرداندن روحیه جهاد و مقاومت و مبارزه به جامعه اسلامی (جهان بین، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۲۷)

بدینسان در سایه تلاشهای سید جمال همچون شناخت افراد مؤثر روحانی در ایران، برقراری ارتباط با آنان و حضور در دربار برخی کشورهای اسلامی مانند عثمانی، نگارش نامه تاریخی به

میرزای شیرازی در سامرا (که مقدمه شکل گیری فتوای تحریم تنباکو گردید) و نیز سفرهای متعدد و روشنگری های فراوان، موج اول بیداری اسلامی شکل گرفت و توانست به عنوان یک تجربه ارزنده زمینه ساز موج عظیم تری در جهان اسلام شود و در نهضت امام خمینی عمق بیشتری یابد. در حقیقت نهضت اسلامی امام خمینی اوج تمامی حرکتها و جنبش های اسلامی تاریخ اسلام و تشیع و تبلور همه آمال و آرمانهای انقلابی نهضت هایی بود که قبلاً به وقوع پیوسته بودند و این موج دوم بیداری اسلامی از طریق محور قراردادن اسلام سیاسی پویا و عملگرا، احیای مفاهیمی چون جهاد، شهادت، ظلم ستیزی، عدالت طلبی، نفی سلطه کافران و ارائه تقسیم بندی نوین از جهان بر مبنای مستکبران و مستضعفان (در مقابل تقسیم بندی مرکز-پیرامون) و استقرار نظام سیاسی مردمسالار با عنوان جمهوری اسلامی شکل گرفت و به اسلام در جهان هویتی جدید بخشید. امام خمینی که خود آغازگر موج دوم بیداری اسلامی است در این باره تصریح می کنند که:

« آنچه ما بدست آوردیم این است که ما اسلام را در اینجا زنده کردیم، پیش تر اسمی از اسلام بود ولیکن اسلام اصلش نبود یعنی اصلش دعوا با اسلام بود می خواستند اسلام زدایی کنند. (امام خمینی(ره)، ۱۳۶۷، ج ۱۷: ۱۷۰)

و حضرت آیت اله خامنه ای نیز در ارتباط با این دستاورد مهم در موج دوم بیداری تأکید می کنند که انقلاب اسلامی در حقیقت دو کار بزرگ انجام داده است که یکی تشکیل نظام اسلامی و دیگری زنده کردن هویت اسلامی در دنیاست. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۴)

و سرانجام جهان از سال ۲۰۱۰ به بعد با تأثیرپذیری از امواج اول و دوم بیداری اسلامی شاهد تغییرات و تحولات برق آسایی در خاورمیانه و شمال آفریقا بود که از سوی دیگران (غربی ها) به بهار عربی، خزان غربی و ... شهرت یافت. این تحولات با ویژگی های مشترک ضد استبدادی، ضد استعماری، اسلام گرایانه و مردمی بودن آغاز شدند و سبب وحشت و هراس قدرت های استکباری گردیدند تا آنجا که پروژه اسلام هراسی و بالتبع ایران هراسی را در جهان آغاز کردند. و در حرکتی فرصت طلبانه نیز بدنبال مصادره این حرکت ها به نفع خود از طریق تقویت جریانهای سکولار و به انفعال کشاندن جنبش های اخیر اسلامی و در نهایت در اختیار گرفتن رهبری این تحولات بر آمده اند.

۳-۲- انقلاب اسلامی

در سالهای پس از انقلاب اسلامی حجم انبوهی از ادبیات سیاسی فرهنگی و اجتماعی در قالب کتاب، پایان نامه، مقاله و مصاحبه و ... درباره انقلاب و تدوین این رخداد تولید گشت اما علی‌رغم وجود مطالعات تطبیقی، تاریخی، و آسیب شناسانه فراوان، تعریف دقیقی از پدیده انقلاب اسلامی ارائه نشده است اما گونه‌هایی از تبیین با ویژگی‌های متفاوت وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- انقلاب اسلامی یعنی احیا و تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه به صورت صریح و همراه با خشونت و خونریزی در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۵)

دیلیپ هیرو معتقد است که انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران همانند همه تحولات بزرگ اجتماعی از سال‌ها پیش برنامه‌ریزی شده بود. رژیم محمدرضا پهلوی را ائتلاف نیروهای مختلف و تحت رهبری بنیادگرایان شیعه برچید و آیت الله خمینی رهبری اصلی این انقلاب بود... شرایط اجتماعی و زیر بنائی انقلاب چندین قرن را در بر می‌گرفت (مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۹: ۳۷)

اگر بپذیریم که هر انقلاب در تعریف خود حداقل باید شش شاخص حضور مردم، ایدئولوژی مشخص، رهبری هدایت‌گر، با هدف ایجاد و تغییر بنیادین همراه با خشونت و بالاخره شدت و سرعت رخداد در فاصله معین زمانی را داشته باشد این تبیین می‌تواند تا حد زیادی جامع و مانع باشد:

انقلاب اسلامی عبارتست از پدیده‌ای که از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ با یک تظاهرات مردمی از شهر قم در اعتراض به توهین روزنامه اطلاعات به یک رهبر دینی یعنی آیت اله خمینی آغاز می‌شود. با سرکوب این تظاهرات توسط رژیم شاه اعتراضات مردمی در قالب بزرگداشت‌های دوره‌ای چهل روزه شهدا در شهرهای مختلف ایران شکل می‌گیرد رهبری این حرکت فزاینده و گسترده مردمی با امام خمینی است که از شبکه روحانیت و مساجد مدد می‌گیرد و ایدئولوژی تغذیه‌کننده آن اسلام و به طور خاص مذهب شیعه است (اسلام پویا و سیاسی)، حرکت اعتراضی و ساده اولیه با تکیه بر ایدئولوژی و رهبری امام به تقاضای تغییر و تحول بنیادین تغییر

شکل داد و تغییر رژیم سیاسی و سرنگونی رژیم پهلوی به یکی از تقاضاهای بنیادین تبدیل می‌شود و با سرکوب رژیم شاه مشارکت تظاهراتی مردم در قالب یک حرکت عمیق انقلابی و گسترده استمرار می‌یابد، تظاهرات‌های روزهای تاسوعا و عاشورای ۵۷ باعث اوج‌گیری آن می‌شود و شاه ناچار در ۲۶ دی ماه ۵۷ ایران را ترک می‌کند امام خمینی در ۱۲ بهمن ۵۷ در میان استقبال میلیونی به کشور باز می‌گردد و انقلاب پس از سه روز درگیری مسلحانه در ۲۲ بهمن ۵۷ ملت ایران به پیروزی می‌رسد. و این حرکت انقلابی در ۱۲ فروردین ۵۸ با رأی مردم به استقرار نظام جمهوری اسلامی در پی تغییر رژیم سیاسی در ایران توفیق می‌یابد و این تحول یعنی آغاز تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی در جامعه ایران بر پایه اسلام (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰)

۳. بیداری اسلامی، اسلام سیاسی و تأثیر انقلاب اسلامی

گفتمان بیداری اسلامی همچنان که بیان شد قدمتی ۱۵۰ ساله در تاریخ خود دارد و با توجه به فراز و فرودهای تاریخی اجتماعی و نیز تفاوت‌های محیطی و جغرافیای سیاسی و فکری شکل‌گیری آن و نقش رهبران در شکل‌گیری این گفتمان، تبعاً دارای تنوع و تعدد درون گفتمانی است به گونه‌ای که این گفتمان بزرگ از خرده گفتمان‌های متعددی شکل گرفته است و به نوعی در تکمیل منظومه گفتمانی بزرگ بیداری اسلامی ایفای نقش نموده اند در یک تقسیم‌بندی سه گفتمان زیر قابل ارزیابی است که ابتداً به توضیح هر یک می‌پردازیم.

۱-۳- خرده گفتمان اصلاحی

شروع خرده گفتمان اصلاحی یا همان موج اول بیداری اسلامی با شروع استعمار کهن در جهان اسلام آغاز می‌شود از سوی دیگر این دوران مقارن با انحطاط مسلمانان از قرن هفتم هجری قمری و همزمان با حمله مغول است. غرب با خروج از شرایط قرون وسطی و همگام با تشکیل دولت‌های اروپایی (قرارداد و وستفالی) و شروع انقلاب صنعتی از یک سو به دنبال تزریق فرهنگ خود به جوامع اسلامی و از سوی دیگر با تسلط نظامی و گماردن حاکمان وابسته به خود در این کشورها تحقیر رنج آور عمیق تاریخی را بر مسلمانان تحمیل می‌کند که همین

تحقیق تاریخی به عنوان یک عامل اصلی در گفتمان بیداری اسلامی و تحولات اخیر منطقه مؤثر واقع می شود.

متفکران مسلمان در ایران و سایر کشورهای اسلامی در این مقطع سعی می کنند تا در جوامع اسلامی با درک درست از چالشهای پیش روی مسلمانان با میهمان تازه واردی که مدرنیته غربی نامیده می شود آگاهانه و هوشیارانه برخورد نمایند در سایه افکار و اندیشه و اقدامات چنین متفکرانی بود که خرده گفتمان اصلاحی متولد شد و حقیقتاً باید نقش سید جمال الدین اسدآبادی و همکاران او در ایران و مصر و سایر کشورهای اسلامی را آغاز شکل گیری یک گفتمان بزرگ بیداری اسلامی نامید.

۱-۱-۳- مختصات و ویژگی های خرده گفتمان اصلاحی

دقت در میانی فکری و تلاشهای رهبرانی چون سید جمال الدین اسدآبادی که خرده گفتمان اصلاحی در درون متون آنان قابل دسترسی و تحلیل گفتمانی است نشان می دهد که این خرده گفتمان در صدد نفی پیشرفت و توسعه (به مفهوم غربی آن) نیست و نه تنها آن را با اسلام در تعارض نمی بیند بلکه به دنبال پیرایش و بازسازی تفکر اسلامی و در نتیجه ایجاد هویتی مستقل و غیر غربی به منظور رهایی جغرافیای سیاسی و فرهنگی اسلام از خصیصه استعماری مدرنیته است. از نظر این خرده گفتمان، حاکمیت گفتمان مدرنیته ضرورتی بی بازگشت و نه یک انتخاب برای مسلمانان است سیدجمال در مکتوبی می نویسد «سیل تجدد به سرعت به طرف مشرق جاری است و بنیاد حکومت مطلقه از بین رفتنی است شماها می توانید در خرابی اساس حکومت مطلقه بکوشید» (کرمانی، ۱۳۷۶: ۷۳)

بنابراین اصلاحی بودن حرکتها نخستین ویژگی خرده گفتمان اصلاحی است و دال محوری که سایر مفاهیم خرده گفتمان حول محور آن مفصل بندی می شود اصلاح جامعه توسط مصلحان است و به ندرت حرکت های اعتراضی جنبه مسلحانه به خود می گیرد و عمدتاً تلاشها در قالب و از طریق نرم افزاری چون قلم، بیان و محاورات فردی و تماسهای چهره به چهره و جلسات مذهبی دنبال می شود. از دیگر مشخصات و ویژگی های خرده گفتمان اصلاحی نامشخص بودن طرح متفکران برای حکومت و نظام سیاسی است و گر چه بازگشت به اسلام و تجدید عظمت و حیات مسلمانان را در حوزه های اجتماعی و سیاسی مدنظر دارند اما الگوی

بدیل و طرح جایگزینی برای این امر ارائه نمی دهند و به زبان دیگر به دنبال تغییر رفتار در درون هیأت‌های حاکمه کشورهای اسلامی هستند نه تغییر ساختار در این کشورها. البته بدیهی است این امر به دلیل وجود موانع یا فقدان مقتضیات آن در کشورهای مذکور بوده است. و طبیعتاً «اصل قدر مقدور» بر رفتار سیاسی و اقدامات کنشگران درون این خرده گفتمان حاکم بوده است.

از بررسی فضای حاکم بر رفتارها و مواضع و متون بجا مانده از دوره شکل گیری خرده گفتمان اصلاحی معلوم می شود که فقدان تشکیلات از ویژگی ها و مختصات این خرده گفتمان به حساب می آید. مصلحان، فاقد گروه، سازمان و حزب بودند و اصولاً در فکر سازماندهی مردمی در درون هیچ تشکیلاتی نبودند آنها عمدتاً به دنبال اصلاح مؤثرترین افراد جامعه یعنی حکام یا علمای ذی نفوذ بودند و شاید حسن النبا در مصر تنها استثناء در این خصوص باشد که تشکیلات اخوان المسلمین را ایجاد نمود و گفته اند «الاستثناء یؤكد القاعدة»

۲-۱-۳- رهبران فکری خرده گفتمان اصلاحی و اندیشه های محوری آنان:

اگر سید جمال الدین اسدآبادی را بنیان گزار موج اول بیداری اسلامی و متفکر پیشگام جنبش‌های اسلامی دوران معاصر بنامیم سخن به گزاف نگفته ایم او با شناخت و بررسی ابعاد مختلف علل و عوامل انحطاط و خمودگی مسلمانان و ارائه راه حل های اسلامی برای آنان در پی رهایی مسلمانان از وضعیت بدو ناهنجار گرفتار آمده در آن بود. او عمده مشکلات را ناشی از جهل و بیخبری مسلمانان و گرفتاری آنان به بحث ها و خرافات دانسته راه برون رفت از این مشکلات را بازگشت به اسلام و قرآن و اتحاد مسلمانان می داند وی در یکی از سخنرانی های خود در محل الوطنی مصر چنین می گوید:

آقایان!! مدینه فاضله انسانی و صراط مستقیم سعادت بشری قرآن کریم است. گرامی دستور مقدس که نتیجه شرافت کلی ادیان حقه عالم و برهان خاتمیت مطلقه دین اسلام الی یوم القیامه و ضامن سعادت دارین و فوز نشأتین است. آه! آه! چه سان از فرط غفلت مهجور شده. گرامی دستور مقدس مختصر شراره از قبات انوار مضئیه اش عالم قدیم و دنیای جدید را به آن حقارت، به این تمدن رسانیده ... آه! آه و الف آه! این کتاب مقدس آسمانی این گرامی تصنیف حضرت سبحانی اش مایه کل سعادت انسانی از دیوان سعدی و حافظ و مثنوی این فارض امروزه کمتر محل اعتنا و مورد اهتمام است (حنفی، ۱۹۹۸: ۸۲)

او تمسک به قرآن را به لحاظ نظری و عملی عامل وحدت مسلمانان می داند و معتقد است قرآن کریم دمنده حس عصبیت دینی در مسلمانان است و یا باید باشد و مادامی که میان مسلمانان، قرآن ملاک عمل باشد رابط میان آنان از هر رابطه قومی و زبانی نیرومندتر خواهد بود (رحمانیان، ۱۳۸۷: ۱۲)

از مجموع آراء و تعالیم و متون بجا مانده از آغازگر بیداری مشرق زمین بر می آید که گام‌های مدنظر او در رهایی مسلمانان از انحطاط و عقب ماندگی تاریخی در محورهای زیر قابل ذکر است. اموری که امروزه کاملاً در تحولات کشورهای خاورمیانه مشاهده می شود و از اجزای گفتمان بیداری اسلامی است: مبارزه با استبداد و خودکامگی، بازگشت به قرآن اسلام اصیل و تمسک نظری و عملی به آن، مبارزه با استعمار خارجی، وحدت اسلامی بازگرداندن روحیه جهاد و مقاومت و بیداری و شهادت طلبی

علاوه بر سیدجمال الدین باید از علامه اقبال لاهوری یا شیخ محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی و شیخ حسن النبأ و ابوالاعلا مودودی به عنوان رهبران اصلی خرده گفتمان اصلاحی نام برد که با تلاشهای فکری و فرهنگی خود و با تولید متون مختلف در صدد ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی در کشورهای اسلامی از طریق تغییر ذهنی و درونی مسلمانان بودند و مسلمانان را از وابستگی فکری، سیاسی و فرهنگی به غرب به اعتماد بنفس و خود اسلامی خویشتن که همانا مایه بازگشت مجدد و عظمت گذشته آنان بود فراخواندند.

۲-۳- خرده گفتمان انقلابی

این خرده گفتمان به دنبال تعمیق بیداری در اثر تلاشهای رهبران خرده گفتمان اصلاحی شکل گرفت و دال اصلی و مرکزی آن حرکت های مؤثر و شالوده شکنانه در مقابل فشار همه جانبه غرب در جهان اسلام بود در این مرحله، اسلام رنگ ایدئولوژی به خود می گیرد در مقاطعی در صدد دستیابی به قدرت از طریق مبارزه مسلحانه و قیامهای انقلابی است بدیهی است شکل گیری این خرده گفتمان به معنی این نیست که شاهد جلوه هایی از خرده گفتمان اصلاحی نیستیم بلکه به این معنی است که گفتمان غالب در بستر زمانی معین به سمت انقلابی و رادیکال شدن پیش می رود. حتی برخی از اندیشمندان خرده گفتمان اصلاحی همچون اقبال

لاهوری غلبه گفتمان انقلابی را پیش‌بینی کرده بودند برای مثال او پیش‌بینی می‌کند که تهران در آینده قرار گاه مسلمانان خواهد شد (اقبال لاهوری، ۱۳۵۷: ۷۳)

شکل‌گیری خرده گفتمان انقلابی تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زیر صورت گرفته است:

- ظهور رژیم صهیونیستی و استقرار آن در قلب سرزمین‌های اسلامی (۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ هـ ش)
- افول ناسیونالیسم عرب (ناصرسیم) در مبارزه با اشغالگران فلسطینی و ضرورت دست‌یازیدن به ایدئولوژی جدید در مبارزه

- تغییر رویکرد استعمار از استعمار کهن به استعمار نو

- برجسته شدن جنبه‌های فرهنگ مبتذل غرب در جهان اسلام

- تلاش غرب در به حاکمیت رساندن سکولارها در جهان اسلام و استمرار وابستگی آنان به غرب

- انسجام روحانیت شیعه پس از تجربه تلخ مشروطیت و تکامل این انسجام در دهه ۵۰

- پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ هـ ش ۱۹۷۸ م)

این عوامل و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در سال‌های ۱۹۴۸ - ۱۹۹۰ (فروپاشی شوروی سابق) باعث شکل‌گیری خصومت اسلام‌گرایان با غرب به دلیل تفوق آنان در چهار حوزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی بر جهان اسلام گردید (امرائی، ۱۳۸۲: ۱۵۴) و سرانجام تحت تأثیر تجربه‌های متراکم جهان اسلام و تلاش رهبران فکری مشرق زمین به ویژه در ایران خرده گفتمان انقلابی به پیروزی رسید زیرا ایران با توجه به موقعیت منحصر به فرد خود هم از بعد قدرت سخت افزاری مثل وسعت قابل توجه، منابع عظیم انرژی و هم از بعد قدرت نرم مانند سرمایه‌های عظیم انسانی، اعتقادات و ایدئولوژی نیرومند اسلامی، همبستگی اقوام و مذاهب و... توانست محور اسلام سیاسی قرار گیرد و عملاً انقلاب اسلامی به عنوان یک سونامی سهمگین ایدئولوژیک، غرب را در چهار حوزه پیشین ابتداً به چالش کشید و سپس با برجسته‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی در جهان و به حاشیه راندن گفتمان حاکم بر نظام‌های سیاسی و اجتماعی در غرب، روح تازه‌ای در کالبد جنبش‌های آزادیخواه به ویژه در کشور های اسلامی برای رویارویی با امپریالیزم و نظام سلطه دمید و همگی را به جوش و خروش واداشت.

و این همان واقعیتی است که ۴۰ سال پیش مورد توجه و تاکید مقام معظم رهبری قرار داشته و در ترجمه کتاب سید قطب به آن اشاره فرمودند و یا در ترجمه ایشان بر کتاب «مسلمانان در نضت آزادی هندوستان» نوشته النحر، مورد توجه معظم له بوده است

همان گونه که اشاره شد دال مرکزی در این خرده گفتمان اسلام سیاسی و انقلابی به عنوان محور مبارزه با مظاهر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب است.

در سایه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و متعاقب آن اعلام صدور انقلاب توسط رهبر فقید انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اصول اندیشه انقلابی در جهان اسلام، گفتمان انقلاب اسلامی مرزهای ایران را درنوردید و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی از یک سو و مقاومت ملت ایران بر اصول و آرمان های اسلامی و جهانشمول انقلاب، موجب آگاهی بخشی و رهایی بخشی دیگران گردید (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

امام خمینی (ره) در تبیین خود از مفهوم صدور انقلاب دقیقاً به دال مرکزی در این خرده گفتمان انقلابی اشاره کرده و فرموده اند:

می‌خواهیم چیزی را که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابر قدرت‌ها فاصله گرفتند در ملت‌ها و همه دولت‌ها بشود یعنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاریهایی که دارند نجات بدهند (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۳: ۱۲۷)

و در فرازی دیگر با تغییر تقسیم بندی جهان از پیرامون - مرکز به مستضعفان و مستکبران و ضرورت صدور انقلاب، بر گفتمان انقلابی در بیداری اسلامی ملت‌ها تاکید نمودند: «ما انقلابمان را به همه جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله(ص) بر تمام جهان طنین نیافکند مبارزه هست و تا مبارزه علیه مستکبرین هست ما هم هستیم». (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۱: ۲۶۶)

گرچه پیگیری اصل صدور انقلاب در دولت های پس از انقلاب اسلامی ایران همراه با فراز و فرودهایی بوده است که بررسی آنها از موضوع پژوهش حاضر خارج است اما سرانجام گفتمان آرمانگرایی انقلاب اسلامی تحت تاثیر شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی به ویژه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا موفق به گشودن راه خود شد و تحولات سالهای ۲۰۱۰ تاکنون در این کشورها مؤید آنست که فکر انقلاب و بیداری اسلامی در جهان

اسلام در حال انتشار و فراگیر شدن است که از آن به موج سوم بیداری اسلامی یاد می شود. در زمینه این موفقیت حمایت های رسانه ای از جنبش های اسلامی در منطقه ، ابداع روز قدس به عنوان نماد مقاومت و مبارزه اسلام گرایان علیه ظلم و تجاوز و استکبار، راهپیمایی های برائت از مشرکان و پیام های راهگشای سالانه رهبران انقلاب در موسم حج و مخالفت سرسختانه و توأم با منطق و شجاعت با روند صلح و سازش در خاورمیانه و حمایت همه جانبه از انتفاضه فلسطین و مقاومت در لبنان از جمله نماد های تاثیر گذاری انقلاب اسلامی بر شکل گیری خرده گفتمان انقلابی و ورود کشورهای اسلامی به مرحله جدید مبارزه با استعمارگران و مستکبران جهانی است.

۳-۳- خرده گفتمان جهاد و مشارکت

تحت تاثیر مبانی فکری انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه های پیش گفته در خرده گفتمان انقلابی از یک سو و تجربه موفق مردم سالاری دینی در ایران پس از انقلاب و دستاوردهای گوناگون ملت ایران در عرصه های علمی- فناوری، سیاسی و اقتصادی و عبور موفق از بحران ها و فشارها و تهدیدها و مقاومت این ملت بر آرمان های خویش سرانجام اسلام گرایان در منطقه به این فکر افتادند که در کشورهایی که به پایگاه اجتماعی قابل قبول رسیده اند، قدم در راه تشکیل حکومت گذارند که البته در شرایط اولیه، این حرکت اسلام گرایان سرکوب می شد. به نظر می رسد خرده گفتمان جهاد و مشارکت تحت تاثیر زمینه های اجتماعی، سیاسی و بین المللی زیر ظهور یافته است:

- پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق و پایان جهان دو قطبی
- طرح موضوع جهانی شدن
- رشد رسانه های فرامرزی و ارتباطی جدید در جهان و کشورهای اسلامی
- هنجار سازی مبارزه با تروریسم توسط غرب
- افزایش حضور نظامی غرب در جهان اسلام
- شروع روند سازش و صلح با اسرائیل از سوی برخی کشورها و دولت ها در خاورمیانه
- پیروزی های حزب الله لبنان و مقاومت حماس در فلسطین (جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه)

- بحرانهای اقتصادی در غرب و تلاش غرب برای فرافکنی ناکامی های اقتصادی خود به خارج از کشورهای آمریکائی و اروپائی و از جمله منطقه خاورمیانه
توضیح اینکه فروپاشی شوروی سابق سبب رهایی بخش عظیمی از مسلمانان در افغانستان و جمهوری های مسلمان نشین تازه استقلال یافته و به نوعی گسترش اسلام گرایی شد. امام خمینی (ره) در پیام خویش به گورباچف به این حقیقت تصریح فرمودند:

وقتی از گل دسته های مساجد بعضی از جمهوری های شما پس از هفتاد سال بانگ «الله اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت(ص) به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی را از شوق به گریه انداخت (امام خمینی، ۱۳۶۷:

ج ۲۱، ۸۵)

به علاوه هویت یابی مسلمانان علیرغم سرکوب شدید بمانند آنچه در بوسنی و هرزه گوین و کوزوو اتفاق افتاد حاکی از هویت یابی مستقل در این کشورها بود.
از سوی دیگر اگر جهانی شدن (و نه لزوماً جهانی سازی) را به مثابه پایان جغرافیا به حساب آوریم قطعاً این امر در بسیاری از حوزه های تعاملی مانند رسانه، اقتصاد و فرهنگ باعث شد ارتباطات اسلام گرایان تسهیل، تردها در فضای مجازی و حتی واقعی ممکن تر شود و گرایش مردم جهان در سایه همین تعاملات به صلح، حقوق بشر و محیط زیست (توسعه سبز) بستر مناسبی را برای استفاده بیشتر اسلام گرایان از فرصت های ملی و بین المللی پیش رویشان فراهم ساخت.

همچنین طرح موضوع مبارزه با تروریسم در جهان و هنجارسازی آن توسط رسانه ها و فشار روانی به عنوان اصل پذیرفته شده بین المللی موجب گشت تا غرب دفاع و مقاومت مشروع جنبش های اسلامی در جهان را به محاق ببرد و در عرصه بین المللی آنان را به عنوان گروه های تروریستی معرفی کند (نظیر آنچه در مورد حماس، حزب الله، جهاد اسلامی فلسطینی، اخوان المسلمین مصر، جبهه نجات اسلامی الجزایر، اسلام گرایان سومالی، سودان و عراق و ... انجام داد) از منظر دیگر غرب و به ویژه امریکا این گروهها را به نداشتن پایگاه مردمی متهم می ساخت همین امر باعث شد تا اسلام گرایان مبارزه را از حوزه های نظامی به حوزه های دموکراتیک کشانند و توانستند افکار عمومی ملت ها را به خود جلب نمایند و این همان چیزی است که به شکل گیری خرده گفتمان جهاد و مشارکت مشهور گردید. و کشورهایی چون عراق،

مصر، الجزایر، کویت، ترکیه و لبنان و فلسطین در مقاطع تاریخی طی ۲ دهه گذشته این امر را تجربه کردند و اسلامگرایان توانستند بر کل یا بخش‌های عمده‌ای از قدرت سیاسی و حق حاکمیت در اجرا یا قانونگذاری دست یابند.

در این میان نباید از نقش طرح سازش با اسرائیل توسط برخی رهبران دولت‌ها یا گروه‌های فلسطینی غفلت کرد. این تلاش‌ها تلنگری به بیداری اسلامی بود و این امر توانست مبارزان فلسطینی را با ابتکار روش‌های جدید مقاوت از یک سو و تکیه بر روش‌های سیاسی و دموکراتیک تا حد تشکیل دولت پیش ببرد و امروز اسلام‌گرایان در جهان در پرتو بیداری اسلامی با جایگزین نمودن اسلام‌گرایی به جای ناسیونالیسم و دکترین مقاوت به جای سازش توانسته‌اند افکار عمومی جهان را در جهت یک راه حل دموکراتیک که متضمن استیفای حقوق سرزمینی و سیاسی فلسطینیان است متمایل سازند. راه حلی که در آن تشکیل دولت فلسطینی مستقل به پایتختی قدس شریف و بازگشت آوارگان، از اولویت‌های آن خواهد بود.

در شرایط کنونی رشد اسلام‌گرایان و احیاء اسلام سیاسی در منطقه بنظر می‌رسد اسلام‌گرایان با تکیه بر تجربه‌پذیری از تاریخ، درون و بیرون از محیط خود و استفاده از فضاها و فرصت‌های بین‌المللی فرا روی خود به راهبردهای اساسی و جدیدی دست یافته‌اند که برخی تکامل یافته راهبردهای خرده‌گفتمان‌های اول و دوم (اصلاحی و انقلابی) و برخی نیز ابتکاری و متأثر از فضای جدید بین‌المللی و منطقه‌ای و موقعیت‌های تجربه شده است در یک جمع بندی از واقعیت‌های راهبردی منطقه و با توجه به رشد بیداری اسلامی، راهبردهای زیر در دستور کار اسلام‌گرایان در خرده‌گفتمان جهاد و مشارکت قرار دارد:

- ۱- بازگشت به قرآن و اسلام با اولویت اتخاذ روش‌های دموکراتیک
- ۲- اعلام توانمندی اندیشه اسلام در کلیه شئون زندگی اجتماعی انسان معاصر
- ۳- نفی سکولاریزم و اعتقاد به توأمان بودن دین و قدرت سیاسی (مشروعیت بخشی دین به قدرت و کارآمدسازی دین توسط قدرت سیاسی)
- ۴- احیای تمدن اسلامی و تغییر نگاه به تمدن غرب
- ۵- کسب قدرت سیاسی
- ۶- توجه به پیشرفت‌های مادی و اقتصادی و رفاه اجتماعی در سایه دین (رشد اقتصادی)

۷- اجرای احکام و فرائض اسلامی

۸- اعتقاد به تفکر جهان شمولی اسلام و تشکیل امت واحده اسلامی

۹- تهاجم به جای تدافع در مقابل هجوم فرهنگی، سیاسی و نظامی غرب

۱۰- عمل مرحله به مرحله

۱۱- انعطاف پذیری

۱۲- مشارکت و رقابت پذیری در مشارکت و مبارزه سیاسی

در یک جمع‌بندی از خرده‌گفتمان‌های سه‌گانه می‌توان گفت اسلام سیاسی در مبارزه با استعمار و در جهت دستیابی جوامع اسلامی به هویت مستقل و حرکت به سمت قدرت‌یابی و تأثیرگذاری بر روند زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی این کشورها از یک سو و استفاده از فرصت‌های تاریخی خود در قالب سه خرده‌گفتمان اصلاح، انقلاب و جهاد و مشارکت بروز نموده است.

این مسئله بیانگر آنست که رابطه و تأثیر بیداری اسلامی و اسلام سیاسی به صورت متغیر مستقل (اسلام سیاسی) و متغیر وابسته (بیداری اسلامی) در هر دوره زمان و شرایط خاص و در کشورهای مختلف با زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تاریخی متفاوت عمل نموده و متناسب با آمادگی‌های فکری مردم و وجود رهبران شایسته و ساختارهای داخلی و فضای منطقه‌ای و بین‌المللی و در تخصم با گفتمان‌های متعارض و مغایر خود توانسته است به توفیقاتی دست یابد.

۴- تحلیل گفتمانی تأثیر انقلاب اسلامی بر اسلام سیاسی در منطقه

همانگونه که در مقدمه مقاله و در تبیین سؤال اصلی پژوهش آمد این پژوهش درصدد ارائه تحلیلی بر تحولات منطقه (بیداری اسلامی) با استفاده از چارچوب نظری و روش تحلیل گفتمانی است و به همین منظور پس از تبیین چارچوب نظری و ارائه تصویری تاریخی - اجتماعی از گفتمان بیداری اسلامی و خرده‌گفتمان‌های آن اینک در پی یافتن پاسخ مناسب به سؤال اصلی پژوهش هستیم و آن اینکه بیداری اسلامی چه تأثیری بر آینده اسلام سیاسی در منطقه خواهد گذاشت و در این میان نقش انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود؟

در زمینه رخداد‌های اخیر در منطقه و کشورهای عربی و اسلامی به طور مشخص و عمده سه تحلیل ارائه شده است که عبارتند از:

یک: تحولات رخ داده طرح و سناریویی است از سوی امریکائی‌ها و صهیونیست‌ها که در ادامه طرح خاورمیانه بزرگ یا خاورمیانه جدید ارائه شده و هیأت حاکمه امریکا در راستای منافع امریکائی - اسرائیلی درصدد ایجاد منطقه خاورمیانه نوینو با هدف افزایش ضریب امنیتی و رفع دغدغه‌های رژیم صهیونیستی آنها را دنبال می‌کند به بیان ساده‌تر گرچه هدف امریکا در خاورمیانه بزرگ در درجه نخست تأمین امنیت امریکا و غرب است اما هدف اساسی آنها مقابله با چالش‌های امنیتی در منطقه تحت عنوانی همچون القاعده و رادیکالیسم اسلامی است. و باراک اوباما نیز طرح بوش رئیس‌جمهور سابق امریکا را با روشی نو و در قالب منطق اشاعه دموکراسی و ضرورت ایجاد یک فضا و محیط دموکراتیک در راستای منافع امریکا دنبال نمود و پیش‌فرض هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواهان نیز این است که برهم زدن ثبات منطقه در صورتی که به منافع و مصالح امریکا کمک نماید پسندیده و مطلوب است.

دو: تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا انفجاری است که امریکا و صهیونیست‌ها پس از کنارگذاشتن طرح خاورمیانه جدید آنرا پیش‌بینی می‌کردند و اینک غفلت زده در صدد استفاده از آن با تکیه بر طرح‌های خود از تبعات منفی این انفجار که یکی از آنها قدرت‌یابی و پیروزی اسلامگرایان در پای صندوق رأی است جلوگیری نموده و به نوعی اوضاع را کنترل و به سمت و سوی اهداف و منافع خود هدایت نمایند. زیرا بر این اعتقادند که پیدایش فضای باز سیاسی و آزاد و دموکراتیک در منطقه ممکن است خطر، ضرر و زیان را بزرگ‌تر و بزرگ‌تر نماید و منافع امریکا و اسرائیل را برهم بزند. (خرمشاد، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۳)

سه: این تحولات و قیام‌های مردمی در جهت مبارزه با حکومت‌های استبدادی حاکم بر کشورهای منطقه و نفوذ فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی استعمارگران و نفی تحقیر تاریخی خود از سوی سلطه‌گران بین‌المللی و دستیابی به کرامت و عزت بر پایه خویش‌تنی اسلامی است. مردم مسلمان این کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که عامل بدبختی‌ها و عقب‌ماندگی‌های آنان سلطه قدرت‌های بزرگ است و الگوهای لیبرالستی و سوسیالیستی در قالب برنامه‌های توسعه‌ای

که در این کشورها به اجرا درآمده اند پاسخگوی نیازهای واقعی آنان در جهت پیشرفت و رفاه و عدالت نیست.

به بیان دیگر بیداری اسلامی همان عزت اسلامی است که در اثر انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک الگوی زنده و پویا در برابر چشم مسلمانان قرار گرفته و این الگو درصدد به چالش کشیدن تمدن غرب و نظام لیبرال دموکراسی، تا آخرین مراحل آن است. (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۱)

در این بخش از پژوهش با استناد به دو مفهوم اساسی در تحلیل گفتمانی لاکلا یعنی قابلیت دسترسی^۱ و قابلیت اعتبار^۲ به اثبات فرضیه مورد نظر خود در پژوهش می پردازیم.

آنچنان که لاکلا معتقد است مفهوم قابلیت دسترسی یعنی در دسترس بودن در زمینه و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری، خود را به عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده است. بنابراین صرف در دسترس بودن می تواند پیروزی یک گفتمان خاص را تضمین کند. (بابی سعید، ۱۳۷۹: ۸۷)

به دیگر سخن در دسترس بودن کمک می کند که صرف این واقعیت که این گفتمان، خود را قادر به برقراری نظم جلوه می دهد، کافی است تا پذیرش آن را تضمین کند. و مفهوم قابلیت اعتبار در اندیشه و نگاه لاکلا یعنی اینکه اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصل بنیادین جامعه ناسازگار باشد اما هر چه سازمان جامعه یا گروه بحرانی تر و بی قرارتر باشد اصول اساسی آن بیشتر پراکنده و شکسته شده است. بنابراین اگر اصولی مانده باشند که گروه را منسجم و مشخص سازد گفتمانها نمی توانند با آنها از در ستیز درآیند. (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۲۰۲)

بر اساس آنچه از دو مفهوم قابلیت اعتبار و در دسترس بودن استفاده می شود بنظر می رسد شرایط اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و سیاسی و تاریخی در کشورهای منطقه (اسلامی - عربی) که مرکز ثقل تحولات اخیر بوده اند گفتمان اسلام سیاسی را به دلیل قابل دسترس بودن برای مردم مسلمان منطقه و نیز داشتن قابلیت اعتبار بیشتر برای آنان، به یک گفتمان هژمونیک و غالب و الگوی سیاسی اسلام برای زندگی در قالب این گفتمان را به افق تصویری مردم مسلمان منطقه تبدیل کرده است.

1 - Availability

2 - Credibility

دقت در تحولات بوجود آمده در این کشورها نشان میدهد که علیرغم تفاوت های محیطی، گفتمان اسلام سیاسی با برجسته نمودن خود و به حاشیه راندن گفتمان های سنتی و لیبرال بر اصول مشترک مهمی نزد مسلمانان این کشورها تکیه دارد به گونه ای که مسلمانان این کشورها تنها راه برون رفت از وضع نابسامان موجود (انحطاط و عقب ماندگی) را در طرحی نوین برای جامعه و حکومت بر پایه اسلام سیاسی جستجو می کنند اصول مشترکی در این گفتمان وجود دارد که نه تنها با اصول بنیادین جامعه مسلمانان ناسازگاری ندارد بلکه ظرفیت پاسخگویی به نیازها و خواسته های تمام بخش های جامعه را دارد. برخی از این اصول مشترک عبارتند از:

- اسلام مجموعه کامل و بهم پیوسته ای است که در آن دنیا و آخرت و دین و سیاست را نمی توان از هم جدا کرد.
- باور به یک نهضت جهانی اسلام و تا رسیدن به آن اعتقاد به لزوم ایجاد یک جامعه نمونه اسلامی و الگو.
- حرکت ضد فقر در مسائل اقتصادی
- مخالفت جدی با اندیشه مادیکرایانه (اعم از شرقی و غربی)
- اعتقاد به توانایی اسلام برای پاسخگویی به نیازهای بشری در همه اعصار و مکانها از تاریخ بشری
- اعتقاد به بازگشت به اسلام اصیل و عمل بر اساس قرآن و سنت
- تلاش برای بیداری مسلمانان به عنوان یک جهاد مقدس
- باور به لزوم مبارزه ی فرهنگی و سیاسی و فکری با غرب و استعمار در تمامی وجوه آن.
- باور به لزوم ایجاد وحدت و انسجام در میان ملل مسلمان برای دستیابی به اهداف داخلی و خارجی امت اسلامی
- تلاش برای کار تشکیلاتی سازمان یافته و حساب شده فرهنگی، اقتصادی سیاسی و حتی نظامی با القاء مداوم روحیه جهاد و شهادت.
- نکته مهم آن که مجموعه این اصول در مسیر تاریخی خرده گفتمانهای اصلاحی، انقلابی، جهاد و مشارکت، مشترکند و بر اساس الگوی گفتمانی انقلاب اسلامی ایران نیز به محک تجربه آمده اند.

- از سوی دیگر انقلاب اسلامی ایران که موجر اسلام سیاسی در ادبیات سیاسی معاصر جهان گشته است باعث گردید تا جنبش های اسلامی در کشورهای منطقه از مرحله تلاش برای «جامعه اسلامی» به مرحله تلاش بری تشکیل حکومت اسلامی وارد شوند و بدین ترتیب اصولاً اسلام سیاسی به ندرت قادر است از انقلاب اسلامی جدا شود. (امیراحمدی، ۱۳۷۶: ۱۰)

بنابراین در مرحله تکامل بخشی انقلاب اسلامی به گفتمان اسلام سیاسی در کشورهای منطقه باید به دو دستاورد عمده و اساسی انقلاب اسلامی برای جنبش های اسلامی تاریخ منطقه اشاره کرد که عبارتند از :

۱- طراحی، شکل دهی، رهبری و به پیروزی رساندن یک انقلاب به نام اسلام و بر اساس بنیادها و الگوهای جنبش های اسلامی.

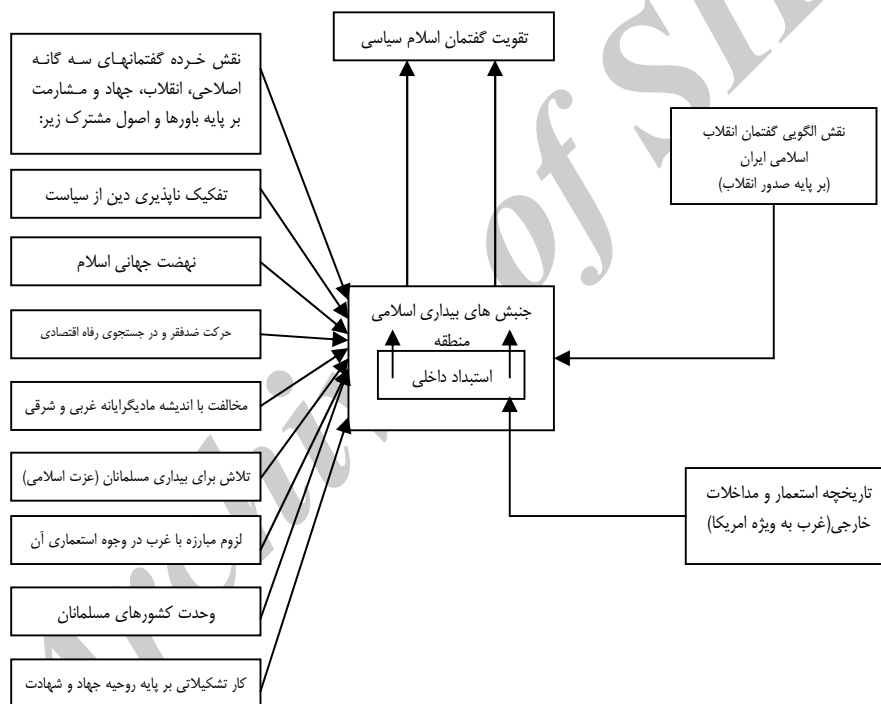
۲- تشکیل جامعه و حکومت اسلامی بر پایه آموزه ها، ارزش ها و اصول همان جنبش های اسلامی (تأسیس جامعه نمونه)

و این هر دو یعنی آشکار کردن توانمندی ها و برجسته ساختن توانایی های گفتمان اسلام سیاسی و اسلام در حوزه سیاست و اجتماع و این به مثابه اسلامی است که هم انقلاب ساز و هم حکومت ساز است. و ما شاهد اوچگیری این توانمندی ها در گفتمان بیداری اسلامی و در موج سوم آن در کشورهای منطقه هستیم و این همان چیزی است که غرب را به طراحی پروژه اسلام هراسی و ایران هراسی وادار کرده است زیرا به گفته گراهام فولر «قبل از انقلاب ایران، ایالات متحده هرگز از اسلام سیاسی چیزی نشنیده بود. انقلاب ایران شوک عمده ای برای سیاست ایالات متحده بود. ایالات متحده به همراه اکثر کشورها در غرب و دیگر مناطق جهان از اسلام سیاسی بیمناکند و به طور کلی ترجیح می دهند که اسلام سیاسی به قدرت نرسد (فولر، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰)

و سرانجام اینکه اهمیت انقلاب اسلامی برای جنبش های اسلامی و اسلام سیاسی از آن روست که انقلاب اسلامی ایران نماد وضعیتی است که تنها به ایران محدود نمی شود بلکه تمام جهان عربی - اسلامی را به طور کلی پوشش می دهد و از همین رو تمامی نظام های حکومتی موجود در جهان عربی - اسلامی در سال ۱۹۷۹ از صدور انقلاب اسلامی ایران نگران شدند زیرا اکثر آنان چیزی میان غربگرایی معیوب و عدالت اسلام گرایانه را ترجیح می دادند.

جا دارد به تحلیل جان اسپوزیتو اشاره می‌کنیم که گفته است: «انقلاب اسلامی ایران حداقل در سه سطح بر جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام تأثیر می‌گذارد: در جوامعی که جنبش‌های اسلامی وجود ندارد، این انقلاب باعث به وجود آمدن آنها می‌شود (کشورهای حاشیه خلیج فارس) و در جوامعی که جنبش‌های اسلامی وجود داشته اما فعال نبوده است باعث فعال شدن و پویایی آنها می‌ود (کشورهای شبه قاره هند و آسیای جنوب شرقی) و بالاخره در جوامعی که این جنبش‌ها وجود داشته و فعال هم بوده اند، این انقلاب باعث رادیکالیز شدن آنها می‌شود (مصر، لبنان و عراق) (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۴-۱۳)

در مجموع و بر اساس تحلیل گفتمانی ارائه شده پیرامون نقش بیداری اسلامی در کشورهای منطقه در رشد و تقویت گفتمان اسلام سیاسی و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر این معادله این موضوع را می‌توان به صورت نمودار زیر نشان داد:



نتیجه گیری

در این مقاله سعی بر آن بود تا با استفاده از چارچوب نظری و روش تحلیل گفتمان به بررسی نسبت میان بیداری اسلامی و اسلام سیاسی در خاورمیانه و نیز تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این نسبت بپردازیم. براین اساس یافته‌های پژوهش را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

اول: براساس بررسی توصیفی و تاریخی از بیداری اسلامی، این جریان دارای سه موج تاریخی اجتماعی و سه خرده گفتمان اصلاحی، انقلابی و جهاد و مشارکت است.

دوم: هر یک از این امواج و خرده گفتمان های سه گانه در زمینه های اجتماعی سیاسی و فرهنگی کشورهای منطقه شکل گرفته، رشد یافته و گسترش پیدا کرده است.

سوم: دال محوری در گفتمان انقلاب اسلامی و امواج سه گانه بیداری اسلامی و نیز خرده گفتمانهای اصلاحی، انقلابی و جهاد و مشارکت، اسلام سیاسی است که به سمت مسلط شدن در فرآیند شکل گیری بیداری اسلامی نزدیک می‌شود و این امر نشانه نسبت مستقیم انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه به لحاظ مبانی نظری و تجربه تکامل یافته تاریخی از درون و بیرون در کشورهای منطقه است.

چهارم: بیداری اسلامی در موج سوم خود نقطه اوج و شکل کمال یافته اصل صدور انقلاب در گفتمان انقلاب اسلامی است که نقی استبداد، طرد سلطه و تلاش در جهت یافتن هویتی مستقل را در خود جای داده است و به عیان در جریان بیداری اسلامی در کشورهای منطقه تجلی یافته است.

پنجم: انقلاب اسلامی توانسته است در کشورهایی از منطقه که فاقد جنبش اسلامی بوده اند به نوعی جنبش سیاسی دست یابد و در کشورهایی که جنبش‌های اسلامی وجود داشته است نقش فعال‌سازی را ایفا نموده است و نهایتاً در کشورهایی که جنبش‌های اسلامی در آنها وجود داشته و فعال بوده است به قدرت یابی و رادیکالیزه شدن آن جنبش‌ها کمک کرده است.

ششم: براساس تحلیل گفتمانی از بیداری اسلامی تحولات منطقه، اسلام سیاسی با انواع کارکردهای زبانی و غیرزبانی و ملهم از گفتمان انقلاب اسلامی در کار برجسته سازی خویش و به حاشیه راندن گفتمان‌های متخاصم همچون سنتی و یا غربی ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سکورالیسم و سلطانیسم توفیقات قابل توجهی یافته است.

هفتم: مسلمانان کشورهای منطقه عربی- اسلامی با روش‌های دموکراتیک و استفاده از فرصت‌های تاریخی و نرم افزارانه جدید درصدد استقرار نظم اجتماعی بر پایه دین و گزینش اسلامی سیاسی به عنوان راه‌حل مسائل توسعه، بحران مشارکت، عقب ماندگی‌های اقتصادی و هویت‌یابی مستقل فرهنگی برآمده اند.

Archive of SID

منابع

۱. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، جلد ۱۷، شرکت افست، تهران
۲. امرائی، حمزه (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران.
۳. امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۷۶)، اسلام سیاسی در ایران، (گزارش سمینار) ماهنامه اسلام و غرب شماره ۵ و ۶.
۴. بابی، سعید، (۱۳۷۹)، هراس بنیادین، اروپا مداری و ظهور اسلام گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. جهان بین، فرزاد (۱۳۹۱)، راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر، فصل نامه علمی-پژوهشی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»، سال اول، شماره ۳، تابستان
۶. حسینی راد، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم انتشارات دانشگاه مفید،
۷. حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی: مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، سال هفتم، شماره ۲۸.
۸. حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۷۸)، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران مؤسسه فرهنگی دانشو اندیشه معاصر.
۹. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷)، روش شناسی علوم سیاسی: قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۱۰. حنفی، حسن (۱۹۹۸م)، جمال الدین، القاهرة، دارقبا.
۱۱. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی-ایرانی الهام بخش موج سوم بیداری اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
۱۲. ----- (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی و رادفر، جلال و فیروزه (۱۳۸۸). الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره ۱.
۱۴. رحمانیان، داریوش (۱۳۸۷). سیدجمال الدین اسدآبادی، انتشارات توسعه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران.
۱۵. رواء، الیویه، (۱۳۷۸) تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیرشانه چی و حسن مطیعی امین، تهران، نشر الهدی.

۱۶. سید قطب (۱۳۴۵)، آینده در قلمرو اسلام، ترجمه آیت الله سید علی خامنه ای، تهران.
۱۷. فولر، گراهام (۱۳۷۶)، «اسلام سیاسی و غرب» (گزارش سمینار)، ماهنامه اسلام و غرب، شماره پنجم و ششم.
۱۸. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، نشر پیکان، چ ۵.
۱۹. نجفی، موسی (۱۳۹۱)، نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
۲۰. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و گفتمان سیاسی شیعه در عراق، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳.
۲۱. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳)، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، سال هفتم، شماره بیست و هشتم.
۲۲. مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی (۱۳۷۹)، انقلاب اسلامی ایران در دایره المعارف های جهان، انتشارات بین المللی هدی، تهران.
۲۳. نودری، حسین علی (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظریه گفتمان نوشته واریان مک دانل، تهران، نشر فرهنگ گفتمان.
۲۴. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، انتشارات باز.
۲۵. السید، رضوان، (۱۳۸۳). اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد، ترجمه مجید مرادی، تهران، انتشارات باز.
۲۶. النحر، عبدالمنعم، (۱۳۴۷). مسلمانان در نهضت اسلامی مسلمانان، ترجمه آیت الله سید علی خامنه ای، تهران، انتشارات آسیا.
27. Halliday, M.A.K.(1961), Linguistic structure and Literary style: and inquiry into the language of William Golding's "The Inheritors". In S. chatman (Ed), Literary (New York and London: oxford University Press).
28. Foucault, M,(1962), The Archaeology knowledge, Translated by A. Sheridan clondon: Routledye.
29. Laclau and Mouffe,(1987) Hegemony and 80 aalist sterategy : Towards a Radical Pemocratic Politics (London : werso).
30. www:khamene.ir.۱۳۷۴/۱۱/۲۰ سخنرانی